بررسی مفهوم فرهنگ از دیدگاه ادوارد.تی.هال

مکاتب و نظریه های جدید انسان شناسی

طیبه کوچکزایی

کارشناسی ارشد علوم اجتماعی (انسان شناسی)

Email :t.kuchekzaee@gmail.com



معرفی نویسنده :

ادوارد .تی .هال استاد مردم شناسی دانشگاه شمال غربی در دانشکده بنینگتن ، دانشگاه دنور

 ،دانشکده تجارت هاروارد و انستیتو تکنولوژی ایلینویز تدریس کرده است .کتابهایی که توسط آقای

هال نوشته شده به قرار زیر است:1-زبان خاموش 2-بعد پنهان 3-راهنمای تحقیقات همجواری 4-بعد

 چهارم در معماری 5-آهنگ زندگی ،بعد دیگری از زمان 6-تفاوتهای پنهان 7-در ورای فرهنگ.

 (هال،1390 :10-11)

کلید واژه ها: فرهنگ، محیط ، زمان، فضا، فاصله

پرسش: چرا افراد در موقعیت های مختلف نوعی تحمل را بروز می دهند؟

این مقاله به مفهوم فرهنگ در ابعاد پنهان در جوامع گوناگون پرداخته است، در واقع می خواهد به

تحلیل رویکرد اصلی هال (به فرم نسبت به محتوا توجه دارد)در مقوله های کنشی افراد بپردازد.

مقدمه :

ادوارد. تی. هال در کتاب بعد پنهان به ساختارهای پنهان فرهنگ در زمینه های مختلف پرداخته

 است. ما را به زوایای نگاه نسبت به این مقوله سوق می دهد و تفاوتهای افراد را در نحوه ی

 اندیشیدن و رفتار نسبت به یکدیگر روایت می کند.در واقع درک تازه ای از رابطه ی انسان با فضا

را تجربه می کنیم و در عین حال به لذت های بصری گوناگون دست می یابیم، زیرا ماهیت وجودی

انسان به گونه ای است که نوعی بازگشت به اشیا و طبیعت را در سراسر زندگی اش جستجو می کند

بنابراین به عنوان کنشگر وارد زنجیره ای از روابط می شود، آنگاه با معانی، نمادها و نشانه ها پی

به راز هستی می برد. هال همچنین به ابعاد فرهنگ دررفتارهای موجودات دیگر(ماهی

آبنوس،خرچنگ،پرنده هاو..)نیز می پردازد تا برای ما تعاریف جدیدی از زیست شناسی، روان

شناسی، محیط شناسی وغیره را ارائه دهد.به طور کلی با مجموعه ی گسترده ای از معماری، فضا

و پدیده های فرهنگی روبرو هستیم. تجربه های زیسته ی افراد را مشاهده می کنیم که از ما عبور

می کنند و ما نیز از آنها عبور می کنیم. تصاویری از حرکت، اندیشه و کنش تجلی می یابد.هال

فواصل گوناگون را در میان انسانها مطرح کرده است که واکنش افراد را در موقعیتهای گوناگون به

تصویر می کشد. در واقع فواصل،فضایی را ایجاد می کند که افراد درون فاصله احساس ایمنی را

تجربه می کنند، زیرا برای آنها قواعدی را تعریف می کند تا کارکردهای خود را به نمایش بگذارد.

به این صورت که اگر بخواهیم سوار اتوبوس یا مترو شویم با دانستن این مسائل که امکان هل دادن و

فشار زیاد وجود دارد، سعی می کنیم تا حدی فاصله ی بین خود و دیگران را رعایت کنیم. برای این

که به واکنشهای منفی منجر نشود و آرامش خود را در عین حال حفظ نماییم. و یا وقتی که ما می

رقصیم ملزم به رعایت فاصله میان خود ودیگران در فضای سرشار از شادی و هیجان هستیم که در

مرکز توجه حضار قرار می گیریم. به طور کلی فاصله های گوناگون(شخصی، عمومی، اجتماعی،

صمیمی)حباب هایی آمیخته با اضطراب، عدم اطمینان و ترس نیز می باشد، چون همیشه این پرسش

وجود دارد: چرا افراد در فضاهای گوناگون، کنترل توسط دیگران را فراموش می کنند؟ به نظر می

رسد که افراد در محیط های شلوغ به دلیل عمومی بودن، گونه ای محافظه کاری و مشروعیت را از

دست می دهند. بنابراین با تابوهای فراوان در سیستم کنشی افراد در جوامع گوناگون برخورد میکنیم

که افراد بر مبنای آنها واکنشهای بسیاری را بروز می دهند، برای اینکه به تصورات خود جنبه ی

عینی دهند.در نهایت ما به دیدگاهی انتقادی مجهز می شویم تا جایگاه خود را بهتر دریابیم و افق های

دیدار را در هویتها بازنمایی کنیم، یعنی کارکردهایی از ارتباط میان رنگها، بوها، فضاها،محیط ها

و افراد را در پس زمینه ی واقعیت های اجتماعی به دست آوریم.

عکس شماره 1

![G:\ \images[3].jpg]()

فاصله ی عمومی در حالت نزدیک را نشان می دهد، که افراد بی تفاوت از کنار هم عبور می کنند و فقط احتمال برخورد میان

آنها در بستر حرکت، مکان و زمان با توجه به گام ها وجود دارد.

عکس شماره 2



فاصله ی اجتماعی در حالت دور را نشان می دهد، و عنصر حرکت را به همراه حالتی از تفکر آمیخته با تنهایی می بینیم، که

افراد، آبستن از نور و فضا برای درک زمان شده اند. مکالمه میان افراد صورت نمی گیرد.

عکس شماره ی 3



به فاصله ی اجتماعی در حالت نزدیک می پردازد،و صمیمیت آنها را درنوعی مشارکت جمعی نشان می دهد.همچنین به نظر

می رسد که فاصله ی میان خود را با توجه به طرز ایستادن رعایت نموده اند.

عکس شماره ی 4

 

به فاصله ی صمیمی در حالت نزدیک اشاره می کند که بیانگر حمایت و وابستگی است،

 واحساس امنیت میان افراد را القا می کند.

عکس شماره 5



فاصله ی عمومی حالت دور را نشان می دهد،که نمایانگر اهمیت مشارکت مردم است. و نگاه از بالا

به پایین را القا می کند، دستها و پرچمها کارکرد وحدت آنها را نشان می دهد.

عکس شماره ی 6


به فاصله ی عمومی حالت نزدیک با تاکید بر حواس اشاره می کند، که در تجمع فرانسوی ها بیشتر

مشاهده می شود. و یکی از جنبه های سرگرمی آنها تجمع در محیط های شلوغ است.(بعد پنهان،185)

عکس شماره ی 7



رابطه ی انسان با طبیعت را در باغ ریوانجی ژاپن نشان می دهد،مفهوم مرکز وجود دارد. در واقع

پرسپکتیوی از حرکت و توقف در بستر ترکیب، سکوت و نظم می باشد.(همان،186)

عکس شماره ی 8



تحریک شدید حسی را در آپارتمانهای عربی نشان می دهد، که فضای بسیار بزرگ وجود دارد. و

 نوعی احساس بی حفاظی و نا امنی خاص را القا می کند.(همان،186)

ابعاد پنهان از هال در بوم شناسی رسانه ها:

دو اثر ادوارد.تی.هال1-زبان خاموش 2-بعد پنهان، نوعی مطالعات ارتباطات بین فرهنگی می باشد.

کار او مرجعی برای مطالعات روابط بین الملل و روابط شرکتها است که عبور فرهنگی را نشان می

دهد.در مناطق آمریکای شمالی به صورت مطالعات فرهنگی و بوم شناسی رسانه ها مطرح می شود.

در این مقاله نوعی تقارن میان تعاریف اولیه ی هال از ارتباط و فرهنگ و تعاریف دانشمندان بوم

شناسی رسانه ها از جمله جیمز کری، جاشوامی روویتز و والتراونگ وجود دارد. همچنین تقارن

میان موسس بوم شناسی رسانه ها(هال) و هارولدآدامزو عقاید این نیزاز فرم، زمان و فضا با کار

ادوارد.تی.هال مشاهده می شود.و به رویکردهای نظری گوناگون در این زمینه ها می پردازد. به

عنوان مثال جیمزکری، جاشوامی روویتز،والتراونگ و ادوارد.تی.هال ارتباط و فرهنگ را به عنوان

مشاهده ی آیین ارتباط در نظر می گیرند. کری، بیشتر به خود آگاه در مدل تشریفات ارتباط اشاره

می کند.می روویتز تمایل دارد جهان را از طریق مشاهده ی آیین ببیند.کار اونگ متضمن یک روش

آیینی در مطالعات ارتباطات است و هال از طرفداران روش آیینی ارتباط است که تعریف واضحی

از ارتباط ارائه می دهد.در واقع بامشاهده ی آیین ارتباط به درک گسترده ای از یک فرایند دست می

یابیم که در جامعه ساخته شده و توسط افراد نگهداری می شود و به فرایند دیگر در جهان مبدل می

شود.نوعی پیام انتقال ارتباطی از طریق فاصله با هدف کنترل صورت می گیرد. پیام های مشاهده

شده ای وجود دارد که توسط گیرنده و فرستنده با هم اتفاق می افتد.پایگاه رسانه ها کانال پر سر و

صدا و بی طرفی نسبت به مقوله ی ارتباط می باشد.با توجه به مکتب فرانکفورت می توان اذعان

نمود در واقع نوعی هژمونی را برای مخاطبان ایجاد می کند و می خواهد مقاومت گیرنده ی پیام را

تحت الشعاع قرار دهد. در حالی که مشاهده ی آیین ارتباط ادعا می کند میراث طولانی تری نسبت به

مشخصات انتقال ارتباط دارد که در تجربه های آمریکای قرن 19و20به حاشیه رانده شده است. در

کار کری، ارتباط یک منبع یا خالق تنش است. او به نوعی همزیستی در گفتمان آمریکایی از اواخر

قرن 19،اشاره می کندکه ارتباط ریشه ی مذهبی داشته و دیدگاههای مختلف مذهب و تجربه را

منعکس می کند که از نظر کری، شایع ترین چیز در فرهنگ شاید در همه ی فرهنگهای معاصر

باشد، که تحت اصطلاحاتی مانند موجب،ارسال،انتقال یا دادن اطلاعات به دیگران با استعاره ای از

جغرافیاو حمل و نقل است. مشاهده ی آیین ارتباط در اندیشه ی ملی ما از طریق مشارکت در هویت

و ریشه ی مشترک واژه های معمولی صمیمیت و همدلی، انجمن و ارتباط است که نوعی ایمان

مشترک را معرفی می کند. به توسعه ی پیام در فضا می پردازد که درطول زمان توسط جامعه

نگهداری می شود. کری استدلال می کند که بهبود یافتن سنت غنی و اهمیت دادن به فرایند(فرم)بیش

از محصول(محتوا)در مطالعه ی تعامل انسان، هرم های ارتباط و فرهنگ است. جاشوامی روویتز

به صراحت، پیام انحصاری یا تمرکز مطالب بر روی اثرات سنت آمریکایی را به چالش می کشد و

به طور ضمنی مشخصات انتقال ارتباط را رد می کند. به نظر او محققان، شکست عمومی را به

طور واضح نشان داده اند و به اثرات مستقیم محتوای رسانه ها بر روی رفتار اجتماعی اشاره می

کنند که منجر به تغییرات در نظریه و رویکرد 60 سال گذشته شده است. در واقع گرایش همه ی

محققان برای قرار دادن متغیر در میان محرک و پاسخ رفتاری بوده است. تفاوتهای فردی و تفاوتهای

گروهی،نقش هم نفوذ مراحلی از توسعه ی شناختی و اجتماعی دیگر و متغیرهای روان شناختی است

که در حال حاضر دیده می شود، و از آن به عنوان متغیر پنهان یا نفی اثرات پیام ها اشاره می کند.

 اما در نهایت مدل های جدید هنوز هم بر اساس مفهوم پاسخ به محرک و پیام مطرح می باشند.

مطالعات فرهنگی انگلیسی ریشه در مطالعات ادبی،تاریخ و مارکسیسم عملی داشته است. که به

عنوان نمونه می توان به جنگ جهانی دوم با نگاه از پایین به بالا و مطالعات ادبی و تاریخی

هوگارت ریچارد(انقلاب طولانی) و تامپسون(طبقه ی کارگر انگلیسی) ،مطالعات ویلیام رایموندز

در(1970)در زمینه ی تلویزیون و فناوری و مطالعات استوارت هال در)1980) در ایدئولوژی و

فضا اشاره نمود. مطالعات فرهنگی انگلیسی در میان نگاه از پایین به بالا تاریخی یا مطالعات گیرنده

و حضار درجاتی از مقاومت طبقه ی کارگر در مقابل درجاتی از برتری و سلطه ی طبقه ی حاکم را

ارائه می دهد. مطالعات فرهنگی آمریکای شمالی ریشه در جامعه شناسی،انسان شناسی و علم اقتصاد

حتی دارد. علاوه بر این مطالعات فرهنگی آمیکای شمالی تمایل به متمرکز شدن بر روی صورت

نسبت به محتوا دارد، ساخت اجتماعی و تاریخی واقعیت به عنوان یک روند تعاملی پویا در نظر

گرفته می شود.در مطالعات اجتماعی- فرهنگی انگلیسی، نوعی کنترل و هنجارهایی از ایدئولوژی و

برتری طبقه ی حاکم وجود دارد که بر طبقه ی کارگر تحمیل شده است. در مطالعات آمریکای

شمالی، کنترل اجتماعی نسبت به اعمال افراد از طریق موقعیت های اجتماعی و هنجارهای فرهنگی

در فرایندهای رسمی و تعاملات هر روزه تصویب شده است.مطالعات فرهنگی آمریکای شمالی ریشه

در تنوع رشته های دانشگاهی دارد که تحت سلطه ی علوم اجتماعی شروع شد و به سادگی در

حواشی تنوع رونق گرفت که قطعا میان رشته ای بود.در واقع می خواست اشکال نظری آن را توسط

جامعه شناسان مختلف نشان دهد. چارلزکولی و هربرت مید، بعد خود اجتماعی را در بستر تعامل

مورد برسی قرار دادند. و دانش به وضوح تحت تاثیر اروین گافمن با مفهوم ارائه ی خود واقعی در

زندگی هر روزه است که مطالعات دانشمندان بیشمار را همچنین تحت تاثیر قرار داده است.برای این

که هر یک از افراد با توجه به آگاهی از شخصیت واقعی خود سعی در درونی کردن هنجارها دارند

و به طور پویا وارد سیستم کنش در جامعه می شوند. باتوجه به نظر دورکیم که تقسیم کار را

 همبستگی میان افراد به شمار می آورد، به عنوان مثال خرید روزانه در خانه بر مبنای

تقسیم کار شکل می گیرد. و رابطه ای بر اساس صمیمیت به وجود می آید، همچنین باعث ثبات بنیان

 خانواده می گردد.و افراد احساس امنیت می کنند. با توجه به مولفه های گوناگون انسان شناختی،

جامعه شناختی و روان شناختی می توان به آن پرداخت.که در طول زمان این مولفه ها تغییر

 میکنند.کاراولیه ی کلاید کلاکهون(1949)آینه برای من، تحت تاثیر کولی،مید و مطالعات ارتباطات

بین فرهنگی ادوارد.تی.هال در زبان خاموش قرار گرفته است.به نظر هال سخنگو در فرایندی

انتخابی نسبت به آثار فرهنگ عمل می کند. یعنی فرهنگ برای سخنگو بدون برجسته کردن بعضی

چیزها با مصرف چیزهای دیگر طراحی نشده است، بلکه همیشه عوامل اجتماعی و اقتصادی موثر

می باشند.به عنوان مثال تفاوت اصلی میان رویکرد مهندس الکترونیک و رویکرد متخصص

ارتباطات فرهنگی وجود دارد. در زندگی ما طیف وسیعی از ارتباطات در محدوده ی رویدادهای

ارتباطی پوشش داده شده بوم شناسی رسانه ها در واقع می خواهد ما را به سنت ها و ارزش های

فرهنگی هر منطقه در جهان ارجاع دهد تا با توجه به اهمیت کارکدی این مقوله ها در جامعه نقش

خود را به عنوان کنشگر ایفا نماییم و و نسبت به مسائل فرهنگی، با دیدگاهی انتقادی بیندیشیم.زیرا

 جهان عرصه ی تقابل ها و تفاوتهای بیشمار پدیده های فرهنگی می باشد. بنابراین می توانیم اندیشه

های خود را با سنتها و ارزشهای فرهنگی همسوسازی کنیم و در جهات موازی حرکت کنیم .درواقع

رویکرد اصلی مقاله نگاه ادوارد.تی.هال نسبت به فرهنگ با توجه به فرم(ساختار) در مقابل محتوا

 (عملکرد) می باشد. با توجه به فضا و معماری ساختمانها به عنوان فرم در مقابل بستر درونی آن به

عنوان محتوا می توان اشاره کرد.یعنی هال معتقد است که محتوا در میان ساختارها و لایه های پنهان

فرهنگ، خلق می شود.بنابراین لازم است که عمیقا به فرم ها در فضا توجه داشته باشیم تا بتوانیم

معانی نمادین آنها را به طور واقعی درک کنیم.زیرا در زندگی با ساختارهای متفاوتی به عنوان مثال

(خواب، آشپزی، تلفن، اینترنت، سفروغیره( روبرو هستیم، که هر یک با توجه به موقعیت فرد در

جامعه تعریف می شود، محتواها نیز در درون آنها تکوین می یابد.در واقع با نوعی امپراتوری فضا

و زمان نسبت به رفتارهای فرهنگی افراد روبرو هستیم، یعنی به سبکهای ارتباطات می پردازد و

عبور فرهنگی را در میان کارکردهای فراوان مشاهده می کنیم، همه ی ما نیاز به استراحت، تفریح

 غذا و وسایل ارتباطی نیاز داریم تا بتوانیم با شادابی و بازدهی بالا به امور مختلف زندگی

بپردازیم،بنابراین به تسهیل روابط میان افراد کمک می کند.با توجه به نظر بوردیو همه چیز اجتماعی

است، به عنوان مثال وقتی که خبر مرگ عزیزی را به خویشاوندان می دهیم به نظر می رسد

فشارهای عصبی ما کاهش می یابد. و مناسک اجرای آن می تواند در جهات رعایت احترام و انجام

وظیفه ی جمعی باشد. گاهی اوقات ورود به فرهنگ جدید ممکن است منجر به سوء تفاهم میان افراد

شود.زیرا نسبت به بستر فرهنگی یکدیگرممکن است آگاهی کافی نداشته باشند و با مشکلات روبرو

می شوند.این مساله بیشتر در فواصل فرهنگی اتفاق می افتد. همچنین این امپراتوری یادآور

امپراتوری نشانه ها اثر رولان بارت نظریه پرداز ساختگرا می باشد، که به ساختارها یا فرم ها

توجه دارد. در این اثر بارت به نمادها و نشانه های فراوان در کشور ژاپن می پردازد و اذعان دارد

که انسان در میان فضاها )ساختمان ها و گفتگوهای مردم( با نوعی نوستالژی روبرو می باشد. در

واقع می توان اذعان نمود که با توجه به فرهنگهای مختلف با تعلیق معنا رو به رو هستیم. به

عنوان مثال اهرام مصر نیز تجسم عینیت یافته ی امپراتوری فضا و زمان می باشد، که معماری آن

نمایانگر اندیشه، زیبایی،زندگی و غیره در بستر زمان می باشد.زیرا تجربه های انسانها درا رتباط با

جهان شکل می گیرد، یعنی آنها همیشه در جستجوی پاسخها برای پرسشهای خود از هستی می باشند.

حضور اعداد به زندگی آنها نظم می بخشد همچنان که هال در فواصل به آنها می پردازد تا حضور

افراد را متمایز کند. و تصور می شود بعد پنهان نه فقط از زبان راوی بلکه از زبان سوم شخص

)مردم(روایت می شود. به طور کلی گونه ای بزرگنمایی را حس می کنیم که در قالب ساختارها

تجسم عینی می یابد. هر یک از افراد نیز نوعی فشار را در الگوهای همجواری نسبت به یکدیگر

تجربه می کنند. البته با توجه به بافت فرهنگی واکنشهای آنها متفاوت است.مطالعات هال، نفوذ

گسترده ای بر سخنرانی ها و مصاحبه ها در زمینه ی روابط میان افراد گذاشته است.همچنین کار

مارشال مک لوهان در مفهوم اصلی او از دهکده ی جهانی که به فشرده شدن ارتباطات انسان در

رسانه های گوناگون و کوچک شدن جهان می پردازد، با مفهوم فرهنگ از دیدگاه ادوارد.تی.هال در

ابعاد پنهان تقارن می یابد.بوم شناسی رسانه ها مفاهیم گسترده ای را در خود ادغام می کند که به

عنوان مثال به مفاهیم بچگی و بزرگسالی در بستری جدید می پردازد، یعنی با نوعی وارونگی تداخل

می یابد و می خواهد بگوید آنچه در زندگی تعیین کننده است نه جنسیت افراد بلکه برداشتهای

شخصی از پدیده های جهان اطراف می باشد. به عنوان مثال چرا بعضی از افراد دوست دارند پیاده روی کنند؟

به نظر می رسد که ممکن است آنها پیاده روی را فرصتی برای تفکر به شمار آورند، و یا از نظر

اقتصادی برای آنها مقرون به صرفه باشد. همچنین به ادغام عرصه ی زنان و مردان اشاره می کند

که اطلاعات حائز اهمیتی از تغییر نقش آنها در جامعه ارائه می دهد. در واقع با ژانرهای جدیدی از

صمیمیت روبرو می شویم که در مفاهیم گوناگون تغییر جهان در بستر زندگی و مرگ در برخورد با

غریبه ها و دوستان رسانه ای بسط می یابد. بنابراین با مبادلات گسترده ای در چهارچوب فضا و

زمان درگیر می شویم، برای این که به حقیقت جهان اجتماعی دست یابیم. و در نهایت ساختارها

 )تصاویر، آواها، فضاهاو ساختمانها(صدای کنشگران را به گوش مخاطبان می رساند تا به فهم

جدیدی از کنش در نقش ها ما را هدایت نماید. در پاسخ به پرسش مقاله :چرا بعضی ازافراد در

موقعیتهای مختلف نوعی تحمل را بروز می دهند؟ می توان اذعان داشت که آنها به اجبار گاهی و با

توجه به عوامل اجتماعی-فرهنگی ( فشارهای بیرونی و..) و حتی فردی)پرهیز از برچسب ها و داغ

ننگ ها) در چهارچوب تعریف شده ای عمل می کنند، که از طریق ذهن آنها را درونی می کنند.

یعنی می پذیرند که نظم وجود دارد و به حفظ آن نیز می توان کمک نمود، بنابراین به تثبیت جایگاه

هویت آنها در جامعه می انجامد.

انتقادها :

ادوارد.تی.هال در مطالعه ی خود نگاه Ethnocenturism(قوم مداری)دارد،زیرا اساس بررسی او

با توجه به کشور آمریکای شمالی است. و به کشورهای دیگر از جمله ایران نپرداخته است، زیرا

تفاوتهای بسیاری به خصوص در زمینه ی فواصل وجود دارد. که با توجه به معیارهای فرهنگی

اقوام مختلف بهتر درک می شود. همچنین در مورد فرهنگهای مختلف آمریکایی، آلمانی، فرانسه،

ژاپن، جهان عرب و انگلیسی به نوعی تجانس اشاره می کند، در حالی که وحدت به معنی واقعی در

 این کشورها(آمریکا) نمی تواند وجود داشته باشد. به طور کلی در زمینه ی رفتارشناسی حیوانات

اغراق نموده است. به نظر می رسد که با توجه به فرهنگ های مختلف باید به نسبیت فرهنگی توجه

داشته باشیم، زیرا بسیاری از مسائل ناشناخته و مبهم در زمینه ی فرهنگ از این طریق واکاوی می

شود. برای اینکه افراد با جهان بینی های خود به جهان می نگرند. به طور کلی انسان شناسی بستری

پویا فراهم می کند تا دیدگاههای گوناگون بیان شده و صداهای مختلف شنیده شود. در واقع روابط

اجتماعی افراد با توجه به تفاوتهای گسترده معنا می یابد، و تیپی از تمایزات در میان آنها شکل می

گیرد. بنابراین ادوارد.تی.هال به این مسئله در مورد فرهنگهای گوناگون توجه نداشته است. علاوه بر

آن ابعاد حائز اهمیت در این زمینه به کلیشه ها سوق می یابد.

نتیجه

ما با ساختار فرهنگ در همه ی ابعادش روبرو هستیم که معانی آن بطور گسترده از طریق

کارکردهایش محرز می گردد، انسانها در رابطه ی خود با فضا روایتهای گوناگون را با توجه به

رفتارهایشان نسبت به همدیگر می آفرینند، در محیطهای عمومی و خصوصی جایگاه خود را درمی

یابند. آنهاهمچنین به نمادها و نشانه های بسیاری از طریق حواس خود توجه می کنند و واکنشهای

مختلف را سازماندهی می کنند تا برای ما تفسیر دیگری را از فرهنگ ارائه دهند. گاهی فواصل

کمک می کنند تا هویت خویش را در بستری تازه باز نمایی کنیم. بنابراین انسانها هیچ گاه محصور

در کلیشه ها نبوده اند بلکه در جستجوی افقهای معنادار می باشند زیرا صداهای بیشماری ما را به

سوی خود فرا می خوانند تا به فهم بیشتری در زندگی دست یابیم، همچنین قادر باشیم بحران های

مختلف را بهتر مدیریت کنیم. در واقع فضا و زمان، تیپی از موقعیت های گوناگون را در هر جامعه

به وجود می آورد و افراد با توجه به این موقعیت ها وارد سیستم های کنشی می شوند. به طور کلی

واقعیت های اجتماعی در بستری پویا هویت می یابند، برای اینکه امکان دسترسی به نوعی سیستم

زیبایی شناسی برای همه فراهم شود. همچنین به نظر می رسد که دیدگاه انتقادی نسبت به فرهنگ

در ما شکل می گیرد، زیرا شناخت واقعیت ها ی اجتماعی بر این مبنا صورت می پذیرد. بنابراین از

طریق نمادها و نشانه های گوناگون در فضا به خوانش های متعدد می توان دست یافت. و جهان در

لایه های معنایی خود تعین می یابد، پدیده ها نیز به طور فزاینده تکثر می یابند. و در همه چیز

نوعی سیالیت و حرکت انسجام می یابد. انسان شناسی کمک می کند که از طریق مطالعات تطبیقی

در عرصه ی گسترده ی فرهنگ به بینش ژرف دست یابیم.

منابع

1 – احمدی، بابک(چاپ اول 1371و چاپ نهم 1388)، از نشانه های تصویری تا متن( به سوی

نشانه شناسی ارتباط دیداری)، تهران، نشر مرکز

2- لوبروتون، داوید( چاپ اول1392)، جامعه شناسی بدن :ترجمه ی فکوهی ،ناصر، تهران، نشر

ثالث

3- هال ،تی ،ادوارد(چاپ پنجم 1390)، بعد پنهان :ترجمه ی طبیبیان ،منوچهر، انتشارات دانشگاه

تهران

4 -Flayhan,D.(2002).Hidden dimension of Hall in Media ecology./proceeding of The Media ecology Association